

وجوه فعل

وجه اخباری - وجه التزامی

دانستیم که:

بعضی از صیغه‌های فعل برای خبر دادن از کار یا حالتی آورده می‌شود. اینگونه صیغه‌ها «وجه اخباری» شمرده می‌شوند. در صیغه‌هایی که از «وجه اخباری» است گوینده به روی دادن فعل یا وجود صفت و حالتی که از آن خبر می‌دهد، یقین دارد. هرگاه واقع شدن فعل مسلم نباشد فعل از «وجه التزامی» آورده می‌شود. فعلی که از «وجه التزامی» است همیشه دنبال فعل دیگر می‌آید.

همچنین دانسته‌ایم که جمله مرکب شامل دو قسمت است که هر یک جمله ساده‌ای است؛ اما معنی هیچیک بتنهایی تمام نیست، بلکه هر دو جمله ناقص بر روی هم یک معنی تمام دارند.

از این دو جمله ناقص که از آنها یک جمله مرکب ساخته می‌شود،

یکی غرض اصلی گوینده را در بر دارد و آن را «جمله پایه» می‌خوانیم. دیگری جمله ساده‌ای است که برای تکمیل و تمام کردن جمله پایه آمده است و آن را «جمله پیرو» خواندیم.

اکنون می‌گوییم که در «جمله پایه» همیشه فعل از «وجه اخباری» یا «وجه امری» است.

در «جمله پیرو» گاهی فعل از «وجه اخباری» می‌آید، اما بیشتر به «وجه التزامی» است. وجه التزامی فعل هرگز در جمله پایه بکار نمی‌رود.

مثال: وقتی که خورشید بر آید (التزامی) جهان روشن می‌شود (اخباری)

اگر حسن دیر بیاید (التزامی) تو زود بیا (امری)

چون خورشید بر آمد (اخباری) جهان روشن می‌شود (اخباری)

وجه التزامی در صرف فعلهای فارسی شامل دو زمان است. ماضی

و مضارع.

ماضی التزامی از صفت مفعولی هر فعل که منظور است با افزودن

صیغه‌های مضارع التزامی فعل «بودن» ساخته می‌شود، یعنی کلمات: باشم،

باشی، باشد، باشیم، باشید، باشند. (صفت مفعولی = ماده ماضی + ه).

مثلا از «آمدن» صیغه‌های ماضی التزامی چنین است:

آمده - باشم آمده - باشیم

آمده - باشی آمده - باشید

آمده - باشد آمده - باشند

و از فعل «گفتن» چنین می‌شود:

گفته - باشم

گفته - باشید

گفته - باشند

مضارع التزامی از مادهٔ مضارع فعل ساخته می‌شود. در فارسی امروز غالباً به اول صیغه‌های مضارع التزامی حرف پیشین «ب» افزوده می‌گردد:

بخوری، بزنم، بکشید، بنوشیم

فرق مضارع اخباری با التزامی در فارسی امروز آن است که مضارع اخباری با حرف پیشین «می» و مضارع التزامی با حرف پیشین «ب» ترکیب می‌شود:

می‌خوانم = مضارع اخباری

بخوانم = مضارع التزامی

اما در زبان فارسی چند قرن پیش این دو صیغه غالباً با هم فرقی نداشته و مانند یکدیگر بکار می‌رفته‌اند:

اگر خویش راضی نباشد ز خویش چو بیگانگانش براند ز پیش

(سعدی)

صیغهٔ «براند» در این شعر جانشین «می‌راند» در فارسی امروز است.

فعلی که از وجه التزامی باشد همیشه در جملهٔ پیرو بکار می‌رود .
 وجه التزامی در فارسی امروز دو زمان دارد : ماضی و مضارع .
 ماضی التزامی از صفت مفعولی هر فعل که منظور است با صیغهٔ
 التزامی فعل «بودن» ساخته می‌شود. یعنی با کلمات: باشم، باشی،
 باشد، باشیم، باشید، باشند .
 مضارع التزامی از مادهٔ مضارع هر فعل که منظور است با افزودن
 حرف پیشین « ب » به آغاز مادهٔ فعل ساخته می‌شود .
 در فارسی چند قرن پیش میان مضارع اخباری و مضارع التزامی
 فرقی نبوده است .